

«برجستگی» های چشم انداز ۷۹



طرح از اسماعیل شیشه گران

روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

هنر مملکت هم رفع شد.
 اوج نهادی به سنتهای طراحی با توجه ویژه به عامل زمان؛ قابل توجه هنرمندان، لطفاً مدت زمان خلق اثر را در گوشه سبقت راست تابلو قید کنید، یعنی اگر امروز دو خط از طراحی خود را کشیده‌ید و فردا دو خط دیگر، اثر شما مرده‌ود خواهد بود.
 آشنا ساختن جامعه با مبانی بیان تصویری دوران معاصر؛ هجوم جیمات مشتاقان هنر معاصر به موزه در طول مدت برگزاری و پوشش گسترده و مستقیم رادیویی و تلویزیونی و گزارش‌های لحظه به لحظه مطبوعات از اتفاقات نمایشگاه، همه در جهت معرفی هنر معاصر به جامعه امروز انجام می‌گیرد.

کشف نیروهای خلاق و استعدادهای جوان؛ این هدف در ادامه خلاقیتها و استعدادهایی است که در نمایشگاهها و بی‌ریزالیهای پیشین موزه کشف شده و این اکتشافات کماکان ادامه دارد. به نظر می‌رسد که منظور همان اسامی نخبه‌ها با بیش از نیم‌قرن سابقه تکرار است که مدام در قالب هیات‌های داور و انتخاب و دبیر همایش و دبیر سیاست‌گذاری و... عرض انجام می‌کنند.

ایجاد فضای مناسب برای پویایی و نوآوری؛ بی‌شک این همه نمایشگاهها و گالری‌های نقاشی که به عرف آثار هنرمندان مشغول‌اند نمی‌توانند جایگاه مناسبی برای پویایی و نوآوری باشند. خوشحالیم که این مشکل

چندی پیش دعوت‌نامه‌یی از مرکز هنرهای تجسمی و موزه هنرهای معاصر تهران به دست برخی هنرمندان رسید که در آن مزده برگزاری قریب‌الوقوع نمایشگاه طراحی امروز ایران و چشم‌انداز ۷۹ داده شده بود. مزده بزرگ‌تر، معرفی و شرکت بیست هنرمند برجسته کشور اسپانیا بود که احتمالاً برجستگی آنان در پاسخ مثبت به دعوت این نمایشگاه بوده است. البته پیش‌دآوری منفی و نگاه از پشت عینک تیره درست نیست، ولی چه کنیم وقتی می‌دانیم آژموده را آژمودن خطاست؟
 در این دعوت‌نامه برخی از اهداف نمایشگاه هم ذکر شده بود:

فزون بر این شورای برگزار می‌شود و با نوبتی که از طراحی معاصر به سمت گذشته تشنگان دانش طراحی و سبک هنرمندان سرگرمی را که تاکنون تعریف درستی از طرحی در کتب خارجی و داخلی نیافته‌اند از سرگردانی نجات دادند.

طراحی معاصر از دیدگاه شورای برگزاری چنین توصیف شده: «تاریخاً غالباً محدودکننده مفاهیم است. به ویژه اگر درباره هنر یا حوزه‌ای از فعالیت‌های هنری به‌شمار آید». طراحی Drawing یکی از مبادیق بارز این سخن است. اما با توجه به معیارهای زبان بصری جهان امروز، یک اثر طراحی، با بهره‌گیری از کلیه روش‌ها و دست‌وردهای زبان تصویری امروز، کنش آبی مست هنرمند در آن مکشوفه می‌گردد و از نامگذاری نوعی «هرچنان» است تا «فراهم» طراحی، خودنگیختگی و سرعت عمل در ثبت انگاره و احساس در نهایت آزادی است و در نتیجه پاسخی است به نیازهای درونی شخصی هنرمند. اولین جرقه‌های آرتیشت هنری در لحظات مکشوفه و خودنگیختگی طراحی امکان بروز می‌یابند.

باید از نخبگان کشف شورای برگزاری تشکر کرد که سرانجام معادل انگلیسی واژه طراحی را پس از چندین نشست و بحث و گفت‌وگو یافتند. بی‌تردید با تعریف بالا، چشم‌چشم دو ابرو، دماغ و دهن به گردهمایی که در مهندک‌ها کشیده می‌شود از آن‌جا که خودنگیختگی دارد، قابل نصب در موزه خواهد بود. تعریف بالا را مورد طراحی داشته باشد تا زمانی برگزاری نمایشگاه مبادیق آن به نمایش گذاشته شود. در کمال تعجب آثار بی‌ساز و پیکاری را خواهد دید که شاید حاصل یک سال کار نقطه‌بنظری یک هنرمند بوده باشد و البته اعضای محترم هیأت انتخاب بنام‌گذاری که در تعریف طراحی نمی‌کنند نتوانند اثر مذکور را کنار بگذارند. اگر همان اثر از همان نقاشی را در بی‌بیت نقاشی، نگارگری یا حتی گرافیک دیدید، اصلاً تعجب نکنید. قرار نیست که همه مثل اعضای هیأت انتخاب و داور و سمع دید و سعه صدر داشته باشند. موضوع در این نمایشگاه طراحی و همچنین کنکرتی در آثار ارائه شده از آن است. باز هم بگوئید هنرمندان آزادی عمل ندارند.

اسلایدی‌های ارائه‌ای توسط اعضای هیأت انتخاب مرکب از پنج نفر از استادان برجسته هنرهای تجسمی کشور مورد بررسی و انتخاب قرار می‌گیرند. توجه بفرمایید که کلاً همه چیز در این نمایشگاه برجسته است. البته معلوم نیست ملاک «برجستگی» این اسانید چیست و کدام مرجع ذی‌صلاح رأی به «برجستگی» حضرات داده است؟

حق تعیین محل نصب و انتخاب تعداد آثار برگزیده با نظارت دبیر نمایشگاه می‌باشد؛ حق تعیین محل نصب

و انتخاب تعداد آثار که در نمایشگاهها و بی‌بیت‌های قبلی با خود هنرمندان بوده استلاً در این دوره به دبیر نمایشگاه داده شده است. نباید انتظار داشت که تمامی حق و حقوق‌ها به جانب هنرمندان داده شود. بالاتر از برای دبیران و اعضای مخترع هیأت‌های انتخاب و داور و همه باید حتی قائل بود که بدون هیچ چشم‌پوشی وقت ذی‌قیمت خود را صرف برگزاری فصل به فصل و گاه ماه به ماه چنین نمایشگاه‌هایی می‌کنند.

دبیر نمایشگاه دبیر نمایشگاه صادفاً و بدون هیچ غرض و مرضی همان دبیر اولین نمایشگاه به اصطلاح بین‌المللی است گذشته است که در بی‌بیت‌های مخترع هنرمندان طی نمایشگاه پیشین اعلام کرده بود. دیگر دبیری نمایشگاهها را قبول نخواهد کرد. ولی این بار هم فرور و کف نفس خود را فروگذاشتند و برای استعلا هنر این سرز و بوم، این وظیفه خطیری را پذیرفتند.

دبیر همایش پیشنهاد می‌شود برای این که تمامی حضرت از دست‌های دهان پرکن این چنینی بهره‌ی برسد چندین عنوان دیگر از قبیل دبیر بازدیدکنندگان، دبیر پذیرایی از مهمانان و دبیر... به عنوان فوق اضافه شود.

اعضای هیأت انتخاب و داور و نام این اعضا اصلاً تکراری نیست و همه برای اولین بار است که اختیار نام‌دهند و این مسوولیت پر مخاطره را پذیرفتند. دبیر نام این همه مسئله اجرایی دیگر وقت خلق آثار هنری برای این عزیزان باقی می‌ماند؛ هر چند اگر فرصتی هم باقی بماند تاریخ مصرف آثار آن چنانی بعضی از هنرمندانی این چنینی گذشته و شاید خود عزیزان هم به این حقیقت پی برده‌اند که میدان عرض اقدام هنری را خالی کرده و به بهانه محکم زدن آثار دیگران کنار گود نشستند.

جواز: جایزه‌های این نمایشگاه فراوانند از مدال طلا و پول نقد و دیپلم افتخار گرفته تا سفر مطالعاتی (که این روزها تب آن داغ است و هنرمندان برای کسب این موفقیت، ولو سفر به کشورهای بیگانه یا هنر اسرور و قطعی روزه آمیختن هم سرور است می‌کنند).

مهلّت ارسال آثار تا ۲۹/۹/۸۵ خواهد بود البته با توجه به از دحام طرح‌ها معاصر مقالی درج ورودی موزه، این مهلت تعدیست تا هنرمندان با خاطری آسوده و بدون تشویق و اضطراب نسبت به تولید و ارسال آثار خود اقدام کنند.

بگیریم. خواهیم دید این نمایشگاه هم مثل نمایشگاه‌های گذشته با همان ضعفها و کاستی‌های خاص خود آغاز خواهد شد و به انجام خواهد رسید و در این میانه آن‌چه آن‌بته به جایی نرسد فریاد است، در کل نمی‌توان منکر حرکتها و فعالیت‌های موزه

هنرهای معاصر در سال‌های اخیر شد. ولی حرکت صرف و محدود کردن هدف به برگزاری بی‌بیت‌هایی که از بی‌بیت بودن فقط نام آن را بیک می‌کنند، نوعی دیگر از بی‌بیت‌ها رفتن است. مگر می‌توان هنر یک کشور را در رنگبانی دید چند نفر خلاصه کرد؟ غرض توهمین به فرد یا به هیچ انگاشتن هنر و زحمات آنان نیست. ولی باید پذیرفت که در عرصه هنرهای تجسمی ما منتقدان غیر وابسته و مستقلی یافت می‌شوند که حاضرند بیع نیز قلم نقاد خود را صادقانه به سوی این بخش از هنر نشانه روند و از تعریف‌های بی‌جا و کلیشه‌ی و نان قرض دادن اجتناب کنند.

زمانی که خانه این بی‌بیت‌ها و نمایشگاهها و اهتمام از پای بست و بران است و جای خالی دانش و پیشی کاری در زوایای آن آشکار است باید ادامه این حرکت، یا به بیانی در جا زدن را متوقف کرد. کمی منطقی باشیم و بپذیریم که حتی در ادای بی‌بیت‌های خارجی را درآورند هم ناتوانیم. نمی‌توانیم وظیفه شورای به اصطلاح سیاست‌گذاری در این میانه چیست؟ آیا درست است که با دعوت عام مفسه‌ی از آثار نامشکون را بر در و دیوار موزه آپرین کنیم و نمایشگاه را به کل از شکل تخصصی خارج کرده و از هدف خود منحرف کنیم؟ مسلماً بین یک بی‌بیت تخصصی و یک نمایشگاه عام فرق عمده وجود دارد. دبیرانی از قبیل هیأت انتخاب و داور و حتی جایزه، ادبایی انتظار و هم برای همین نمایشگاه‌های عام زبینه‌اند.

حتی اگر کمی تیزهوش باشیم، برنامه و نام سخنرانان همایش‌ها و برندگان جایزه اول و قبل پیش‌بینی خواهد بود. پلوتن‌های چاپ شده در این میانه هم که یکی از اسناد افتخار نمایشگاه محسوب می‌شود، نامشایی است. سرور قضیه با یک سرمقاله، چاپ چند عکس آن چنانی از دبیران و اعضای فروتن هیأت انتخاب و داور و متن سخنرانی‌ها، چند مصاحبه دو سه صفحه‌ای با همان اعضای خجالتی و کمروزی فوق و چند مصاحبه دو سه خطی با شرکت‌کنندگان (اگر جای خالی باقی مانده باشد) به هم می‌آید و در آخر هم به مبارکی و میمنت توزیع جوایز و ختم مراسم را خواهیم داشت.

بی‌شک روزه که هنرهای تجسمی ما از بند انحصار علمی صرف، دست‌بندی‌های هنرشناسی و خارج شود و عرصه‌ی برای پویایی جوانان فراهم کند. می‌توان امیدی به آینده آن داشت و به انتظار کشف نیروهای خلاق و استعدادهای جوان نشست. پس به انتظار آن روز می‌نشینیم و میدان را خالی نمی‌گذاریم. اما این را هم از یاد نمی‌بریم که بی‌بیت‌ها و نمایشگاه‌های بی‌بیت‌ها، پر زرق و برق و انبارگردانی آثار نغمه‌اند دردی را درمان نمی‌کنند.